



غصب

غصب یکی از اقسام احکام در اسلام است.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف غصب
- ۲ - جایگاه غصب در میان گناهان
- ۳ - ارکان غصب
- ۴ - غصب در لسان پیامبر
- ۵ - اقسام احکام غصب
 - ۵.۱ - احکام تکلیفی غصب
 - ۵.۲ - احکام وضعی غصب
- ۶ - رابطه غصب با اتلاف مال
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

تعریف غصب

«غصب» عبارت است از تسلط جابرانه بر مال یا حق دیگری.

جایگاه غصب در میان گناهان

غصب از گناهان کبیره و از بدترین انواع ظلم است که عقل و شرع (کتاب، سنت و اجماع) بر زشتی آن اتفاق نظر دارند.
[۱] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲.
[۲] شرح لمعه، ج ۷، ص ۱۱.

ارکان غصب

غصب کننده را «غاصب»، مال غصب شده را «مغصوب» و مالک آن را «مغصوب منه» می‌نامند.

غصب در لسان پیامبر

در روایتی از پیغمبر اکرم صلوات الله علیه آمده است:
«مَنْ خَانَ جَارَهُ شَبْرًا مِنَ الْأَرْضِ جَعَلَهُ اللَّهُ طَوْقًا فِي عُنُقِهِ مِنْ نُحُومِ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ، حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَطْوَقًا، أَلَا إِنَّ يَتُوبَ وَ يَرْجِعُ؛
[۱] و مسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۸۶.
هر کس در مورد یک وجب زمین به همسایه خود خیانت کند (آن را غصب کند)، خداوند آن را از طبقه هفتم زمین، مثل طوق به گردنش می‌اندازد تا در قیامت، خدا را با همان حالت ملاقات کند، مگر (این که در دنیا) توبه کند و برگردد (صاحب زمین را راضی نماید).»

اقسام احکام غصب

در غصب، دو حکم «تکلیفی» و یک حکم «وضعی» وجود دارد.

← احکام تکلیفی غصب

دو حکم تکلیفی عبارتند از:
الف) جرم بودن غصب بر غاصب .
ب) وجوب رد آن به مالک؛ یعنی بر شخص غاصب واجب است که مال را هر چه زودتر به صاحبش برگرداند.
این دو حکم در همه انواع غصب (غصب اموال و غصب حقوق) جریان دارد.

← احکام وضعی غصب

حکم وضعی عبارت است از «ضامن»؛ یعنی اگر مال «مغضوب» به هر شکلی تلف شود، هر چند «غاصب» در حفظ آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

این حکم فقط در غصب اموال (عین یا منفعت) جاری می‌شود و در غصب حقوق، جریان ندارد.

[۴] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، مسأله ۳.

[۵] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، مسأله ۴.

رابطه غصب با اتلاف مال

همان گونه که غصب موجب «ضمان» است، اتلاف (تلف کردن مال) نیز موجب «ضمان» می‌شود، چه این که غاصب به طور مستقیم و بدون واسطه، مالی را تلف کند. مثلاً حیوانی را بکشد یا شیشه‌ای را بشکند. و یا موجباتی فراهم نماید که منجر به خسارتی بشود. مثلاً در معبر عمومی جاهی بکند یا چیز لغزنده‌ای قرار دهد که موجب مرگ یا شکستن پای کسی شود یا چیزی را در راه قرار دهد که حیوانی رم کند و صاحبش را به زمین بکوبد.

در همه این موارد مُسْتَب، ضامن است.

[۶] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰، مسأله ۵۴.

[۷] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰، مسأله ۵۵.

پانویس

۱. ↑ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲.
۲. ↑ شرح لمعه، ج ۷، ص ۱۱.
۳. ↑ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۸۶.
۴. ↑ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، مسأله ۳.
۵. ↑ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، مسأله ۴.
۶. ↑ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰، مسأله ۵۴.
۷. ↑ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰، مسأله ۵۵.

منبع

کتاب آشنایی با ابواب فقه، ص ۱۲۲-۱۲۴.